

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

ترکیب اجتماعی مشروطه خواهان اول :

طوریکه بررسی اسناد و مدارک دوره مشروطیت در تعدادی از ممالک آسیائی از قبیل ایران ، افغانستان ، ترکیه و غیره نشان میدهد ، ترکیب اجتماعی مشروطه خواهان ، بالاخص در مرحله اول جنبش فوق العاده مختلف بوده اما نقش برجسته ویا حتی رهبری آنرا از همان آغاز جنبش روشنفکران با زادگاه روحانیت و اشرافیت به دوش داشتند چنانچه انقلاب های مشروطیت در ایران و افغانستان مؤید این ادعا است . اگر چه هر دو گروه فوق الذکر نه از نظر موقف اجتماعی و نه از نظر خصلت طبقاتی حایز چنین سرشت انقلابی هستند که از جمله مؤلفین مطمئن نهضت محسوب شده بتوانند ، ولی عواملی وجود دارد که این رسالت را جبراً به آنها تفویض می نماید؛ علت پیش آهنگی روحانیت و اشرافیت در نهضت های مشروطه خواهی در ممالک متذکره دست رسی آنها به اخبار و جراید خارجی ، کتاب و مدرسه بوده ، چه یگانگانه منع تنویر افراد و اشخاص مدارس و مدرسین مجهز با دیدگاه سنتی مذهبی آن زمان بود که روحانیون را از اعتبار خاص نزد مردم برخوردار می ساخت . (۳۰)

اما این مطلب قابل تذکر است که در جنبش های بعدی کشور ما یعنی «دیموکراسی اول» و «دهه قانون اساسی» نظر به تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی این وضع تا حد ودی تغییر نمود بدین معنی که خاستگاه روشنفکران مؤثر در نهضت های مشروطه صرفاً منحصر به اشراف روحانیت و اشرافیت ننماند ، بلکه گروه های مختلفی از آنها ازبین - روستائیان ، پیشه وران ، شهرنشینان ، زارعین ، کارگران و نظامیان ارتش برخاسته و با «دریافت یک مجوز از قبیل دیپلومه ، لیسانس ویا دکتورا» در مدارج مختلف دستگاه دولتی قرار گرفتند و طبعاً از چنین روشنفکران دستگاه موصوف هم توقع بیشتر «خوش خدمتی و حرف

شنوی» داشت و حتی تعدادی از این روشنفکران در جریان مبارزات نصف دوم سده بیستم در خدمت دستگاه حاکمه قرار گرفتند و از هیچ گونه همکاری و مساعدت دریغ نکردند. به هر حال مشروطه خواهان اول افغانستان با آنهمه کمیت ناچیز آن (۳۱) نیز متجانس نبوده و مشتمل از روشنفکران مذهبی (روحانیون)، استادان مدارس، اصناف، پیشه‌وران و شهرنشینان بودند.

اگرچه جنبش‌های مشروطه‌طلبی در اکثر کشورهای آسیای کم و بیش همزمان آغاز شد، اما ترکیب نیروهای محرکه آن نظریه‌رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی هر کشور تا اندازه متفاوت است. افغانستان از جمله نادری کشورهای جهان بود که سالیان متمادی در انزوا و تجرید سیاسی و اقتصادی از سایر کشورهای جهان قرار داشت و نظریه‌پردازان به اداه شیوه‌های تولیدی قرون وسطایی، مناسبات کهن اجتماعی و عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه، توده‌ها هنوز به اصطلاحات قانون، دیموکراسی و مشروطیت آشنایی نداشتند و بنابر آن این جنبش صرف در کابل پایتخت کشور محسوس بوده و در سایر ولایات هنوز به اندازه کابل کارهای تبلیغاتی و تشکیلاتی صورت نگرفته بود و مردم از آن آگاهی نداشتند. طبقه کارگر هنوز در کشور وجود خارجی نداشت، دهقانان نظر به خصلت محافظه‌کاری و عوامل فوق‌الذکر از جمله مدافعین نهضت محسوب نمی‌شدند، فلذا جنبش در سطح روشنفکری محدود می‌گردید که این امر در آسیب‌پذیری و ضعف مشروطه خواهی اول بی‌تاثیر نبود.

از ویژگیهای دیگر مشروطیت اول عدم سهمگیری زنان (که مناصف نفوس کشور را تشکیل میداد) در آن نهضت است، که بنا بر همین ملحوظ هیچ محقق در آثارشان از نقش زنان در این دوره تذکره ندادند. در حالی که در بعضی کشورهای مانند ایران زنان در جنبش مشروطیت سهم بسزائی داشتند و در مورد فعالیت‌های ارزنده آنها کتب و رسالات فراوان به چشم می‌خورد، که یکی از آنها «زنان ایران در جنبش مشروطه» تألیف عبدالحسین ناهید، ۱۳۶۸ هـ است که مطالب ذیل در آن به نظر می‌خورد: «انقلاب مشروطیت ژاپن، جنگ روسیه تزاری با ژاپن و شکست فضاحت بارتراریسم، شکست امپراتوری انگلستان - امپراتوری که خورشید در مستعمراتش غروب نمی‌کرد، از یک ملت کوچک آفریقائی به نام ترانسوال و انقلاب ۱۹۰۵ م روسیه نیز ایران را تحت تاثیر قرار میدهد. شرکت زنان در این جنبش‌ها و فریاد آزادیخواهی و اعتراض علیه ستم جنسی آنان تاثیر عمیق بر زنان ایرانی به ویژه در زنان بورژوا و روشنفکر باقی می‌گذارد تا جائیکه به گفته یک دیپلمات فرانسوی که در عصر مشروطه خواهی در کشور اقامت داشته، در این زمان در ایران زنی نبود که خواب مشروطه نبیند.»

عواملیکه در بیداری زنان در ایران نقش عمده داشت عبارت از: آشنائی با فرهنگ و تمدن اروپائی، جنبش‌های روشنفکری ملهم از انقلاب سوسیال دیموکراتیک روسیه، گشایش مدارس، روزنامه‌ها و غیره که متأسفانه زنان افغانستان از آنها فاصله داشتند و هنوز آنها در چار دیواری خانه‌ها محصور و درگیر امور منزل بودند.

نکته دیگر قابل تذکر آن است که در راستای انقلاب‌های مشروطه خواهی از آغاز سده بیستم تا اواسط آن خصلت انقلابی و استقلال عمل روشنفکران در سطح جهانی تغییر می‌نماید. جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م)، انقلاب سوسیالیستی اکتوبر (۱۹۱۷ م) و تشکیل ممالک سوسیالیستی، شکاف آید یولوژیکی بین آنها، رقابت‌های اقتصادی، سیاسی بین اخیرالذکر و جهان سرمایه‌داری، ظهور نهضت‌ها در ممالک تحت استعمار و من جمله نهضت‌های ممالک اسلامی علیه قدرت استعماری بریتانیا، ایجا د «حزب اخوان -

المسلمین» (۳۲) در ۱۹۲۸ م در مصر، تضعیف و از هم پاشی سیستم استعماری و استثمارگری جهان غرب همه اینها از جمله عواملی اند که در تغییر خصلت مبارزاتی روشنفکران بی‌تأثیر نبوده است. طور مثال روشنفکران افغانستان از آغاز حرکت مشروطه خواهی در اوایل قرن بیستم، با وجود ترکیب اجتماعی مختلف (روحانیون وطن پرست، معلمان آتشین مزاج افغانی و هندی، افسران شجاع، ماورین، کسبه کاران، غلام بچه‌های دربار، پسران اشراف و ملیت‌های مختلف (۳۳) و تا حدودی با طرز دیدهای متفاوت، در امر پیشبرد مبارزات ملی و مشروطه خواهی یک پارچه و دارای مرام، منظور و سمبول واحد بودند. چون در اوایل قرن بیستم در اثر تغییر شرایط ملی و بین‌المللی در صفوف روشنفکران جهان افتراق و چند پارچگی ایجاد شد، روشنفکران افغانستان هم از این امر مستثنا نماندند. آنها با الهام از تیوری‌ها و مطالعه آثار خارجی، بدون شناخت عمیق از چگونگی جامعه سنتی و افغانی خود چنین درگیر جدال‌های آید یولوژیکی بین‌المللی گردیدند که آرمان ملی و مرام مشروطه خواهان کشور را که عبارت بود از: «بدست آوردن حقوق ملی و مشروطه ساختن رژیم حکومت تحت نظر نمایندگان ملت و تأمین حاکمیت ملی و حکم قانون» (۳۴) را فراموش نمودند، آگاهانه و یا ناآگاهانه مدافع منافع خارجی‌ها قرار گرفتند و در جریان همین کشمکش‌های بین‌المللی از نیمه دوم قرن بیستم «روشنفکران کتاب‌به‌دست» ما به گروپ‌های متخاصم چپی - ترند شوروی، چینی و لیبانی و راستی بنیادگرای - «اخوان المسلمین» با شعب مختلفه آن تقسیم گردیدند.

به هر حال، از آنجائیکه آغاز جنبش مشروطه خواهی در کشور مصادف به آوان سلطنت استبدادی امیر حبیب‌الله خان بود بنابراین مشروطه خواهان در جریان مبارزاتشان (علی‌الخصوص بعد از سرکوبی مبارزین، ۱۹۰۹ م) عموماً از شیوه‌های مخفی‌کاری استفاده می‌نمودند، آنها در حلقه‌ها و یا «جرگه‌های کوچک» تقسیم و حلقه‌های مذکور طوری تنظیم شده بود که اعضای مربوطه آن یک‌دیگر را می‌شناختند، اما بین حلقه‌های کوچک ارتباط وجود نداشت. چنانچه مرحوم حبیبی پیرامون اصل مخفی‌کاری آنها می‌نویسد:

«تعداد جوانان مشروطه خواه تقریباً به سه صد نفر میرسید که در جرگه‌های کوچک جداگانه منقسم بودند و در هر دسته افغان‌نهایتیکه همدیگر خود را خوب می‌شناختند دور هم جمع می‌شدند و از بین خود یک منشی و یک رئیس انتخاب میکردند. این جرگه‌های کوچک با هم ارتباط نداشتند اما رئیس عمومی همه جرگه‌ها مولوی محمد سرور و اصف بود.»

در مورد ریاست جمعیت مشروطه خواهان نظریه‌های متفاوت و متناقض وجود دارد. بعضی از نویسندگان مانند پوهاند هاشمی ریاست عمومی داکتر عبدالغنی پنجابی - مدیر مکتب حبیبیه را (با استناد از اسناد اندیا آفس لندن) رد نمی‌نماید، درحالی‌که مرحوم حبیبی و سید مسعود پوهنیا (با استناد از سخنان شفاهی پدرش) (مرحوم سید قاسم خان) رئیس عمومی حلقه‌های مشروطه خواهان کشور مولوی محمد سرور و اصف الکوزی را می‌دانند. در صفحات بعدی همین بخش در مورد زعامت جمعیت موصوف بار دیگر مطالب ارائه خواهد شد.

مرحوم غبار کمیت مشروطه خواهان اول را اندک نوشته و مشتمل از بورژوازی ملی تجاری و زمین‌دار لیبرال میدانند (۳۵) که اکثریت آنها در مرکز یعنی کابل متمرکز و باتوده‌های مردم در ارتباط نبودند. نویسنده «افغانستان در مسیر تاریخ» روشنفکران جنبش مشروطه اول را به سه دسته تقسیم می‌نماید:

- الف - گروپ لیبرال های دربار
ب - حزب جمعیت سر ملی
ج - روشنفکران انفرادی
در حالیکه مرحوم حبیبی با اندک تفاوت آنهم صرف در نام آنها را نیز به سه دسته تفکیک می نماید :
- ۱ - جمعیت اخوان افغان
 - ۲ - گروپ مربوط به دربار - غلام بچگان دربار
 - ۳ - جان نثاران ملت (اسلام) یا گروه معلمان هندی
- چون بین دسته بندی های مؤلفین آنقدر تفاوت وجود ندارد بناءً ما به تشریح اجزاء آنها می پردازیم :

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767